

رسانه و تحکیم خانواده

منصوره حسینی منش*

چکیده

خانواده یکی از ارجمندترین، نهادهای انسانی است که از همان بدو پیدایش، همراه با تغییرات شئون مختلف زندگی بشر، دگرگونی یافته است. خانواده شالوده حیات اجتماعی محسوب می‌گردد و گذشته از وظیفه‌ی فرزندآوری و پرورش کودک که موجب استمرار و بقای نوع بشر محسوب می‌گردد، وظایف متعدد دیگری از قبیل: فعالیت‌های اقتصادی، آموزش و پرورش و اجتماعی کردن فرزند را نیز بر عهده دارد. جهان امروز در مسیر دگرگونی و تغییر و تحولات فزاینده‌ای قرار گرفته است و در عین حال با چالش‌ها و بحران‌های نو جدیدی در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... روبه‌رو شده است. گویی با به هم‌ریختگی نظام‌ها و سازمان‌های ملی، سالهاست حرکت پر شتابی را به سوی دهکده جهانی مدنظر مارشال مکلوهان آغاز کرده است. و اینک آنچه به نظر می‌رسد بخشی از این تغییر و دگرگونی مربوط به شکاف نسلی در خانواده به عنوان کوچکترین و البته مهمترین نهاد اجتماعی رخ داده است. در این مقاله بر آنیم تا با روش تحلیلی به بررسی موضوع رسانه و تحکیم خانواده بپردازیم.

کلیدواژه‌ها: خانواده، رسانه، ارتباط جمعی، فرزندپروری

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دبیر ناحیه ۲ دبیرستان ولایت فقیه



مقدمه

مروزه، بالا بودن سرعت پیشرفت فن آوری و روزافزون بودن آن تقریباً در تمامی علوم به خوبی مشهود است، به گونه‌ای که دستیابی به یافته‌های جدید و دست‌آوردهای علمی به ویژه در بخش فن آوری اطلاعات که پیش از این هر چند دهه یک بار اتفاق می‌افتاد، در حال حاضر به چند سال و یا حتی چند ماه کاهش پیدا کرده است و هر روز با حجم عظیمی از اطلاعات و داده‌های نوروبه رو هستیم. بنابراین آگاهی نسبی از شرایط عمومی فن آوری و کسب دانش لازم و کافی مورد نیاز برای حداقل یک تخصص و فن برای کارآمدی و روزآمدی هر انسان زنده‌ای، یک ضرورت اجتناب ناپذیر است. بنابراین «دانایی»، یکی از فاکتورهای مهم و اساسی در برقراری ارتباط و داشتن مفاهیم مشترک با دیگران است. غفلت از این مهم نه تنها افراد نسل‌های قبلی، که نسل نو را نیز در انزوا قرار خواهد داد.

اینکه که شرایط زندگی شهرنشینی، به ویژه در کلانشهری چون تهران و وضعیت موجود در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... که عموم شهروندان را در تنگناهای رفاهی، معیشتی، بهداشتی و معضلات پیچیده ارتباطی-روانی قرار داده است و به ناچار فرزندان را با والدین و نوه‌ها را بامادربزرگ‌ها و پدربزرگ‌ها در موضع سخت و گاه چالش برانگیز و تنش زا قرار داده است. آیا تاکنون نسبت به فرهنگسازی و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی، اجتماعی و چگونگی اجرای آنها در سال‌های گذشته مطالعه و بررسی لازم انجام شده است؟ و نسبت به نتایج آن و میزان تأثیر آن در مخاطب، به تحلیل جامع و پاسخ دقیقی دست یافته‌ایم؟ به نظر می‌رسد وجود دغدغه‌های فراوان در جامعه نسبت به تحکیم ارتباط بین نسلی و تکریم بزرگسالان، گویای نبود توفیق در برنامه‌های فرهنگی دستگاه‌های فرهنگی از یک سو و تأثیرپذیری متفاوت نسل اول و دوم و سوم و بهره‌مندی آنها از رسانه‌های در دسترس از سوی دیگر است.

ترویج فرهنگ تکریم و احترام به والدین در بین جوانان و نسل نو و نیز اشاعه‌ی احادیث و روایات گوناگون اگر چه لازم است اما کافی نیست.

همانگونه که برقراری ارتباط منطقی بر پایه‌ی سه عامل فرستنده، گیرنده و مفهوم پیام تعریف شده است و اختلال در هر یک از آنها، ایجاد ارتباط را ناممکن و یا بی‌نتیجه خواهد ساخت، به طور طبیعی نبود مفاهیم مشترک میان جوانان و بزرگسالان یا فرزندان و والدین، تأثیر منفی در استمرار ارتباط میان آنها خواهد داشت. به تعبیری دیگر، یک سوی این خط ارتباطی، نه تنها هرگز هیچ تلاشی در جهت ارتقای آگاهی‌های مورد نیاز و روزآمدی و کارآمدی خود نداشته است بلکه هیچ تغییری را هم برنمی‌تابد و چه بسی ابرام کوچکترها برآموزش، یادگیری و به روز شدنشان را نوعی بی‌حرمتی تلقی و در مقابل آن سرسختانه مقاومت میکنند. حال آیا برنامه‌ریزیهای مقطعی برای فرهنگ‌سازی، بدون اصلاح معضل پیش روی چنین ارتباطی نتیجه بخش خواهد بود؟ تجربه نشان داده است والدین یا بزرگسالانی که از اطلاعات عمومی خوب و از تخصص و درجات علمی بالایی برخوردار بوده‌اند و توانسته‌اند همسو با نسل بعد، از رسانه‌های نوینی چون اینترنت استفاده کنند، نه تنها در حفظ ارتباط موفق بوده‌اند، بلکه دانشجویان جوان از نشست و برخاست با آنها احساس لذت و شادمانی نیز می‌کرده‌اند.

به نظر می‌رسد بررسی عوامل و دلایلی که در جامعه، خواسته یا ناخواسته موجب ایجاد شکاف و گسست نسلی افراد آن می‌شود، عامل مهمی برای برون رفت از شرایطی است که تحقق آن، برنامه‌ریزی هدفمند برای ارائه راه حل مسئله را می‌طلبد تا از این رهگذر، پیشگیری از گسترش و تعمیق این شکاف به روش مناسبی انجام پذیرد.

در سطح آموزش عالی نیز رشته‌ها و گرایش‌های زیادی در موضوع رسانه و علوم ارتباطات تأسیس شده است. برخی از پژوهشگران درخصوص تأثیرات رسانه بر کودکان و نوجوانان به عنوان متأثرترین قشر بررسی و تحقیق کرده‌اند مانند نیل پستمن که کتاب‌هایی در زمینه تأثیرات رسانه بر کودکان و جامعه به رشته تحریر در آورده است از جمله کتاب «نقش رسانه‌های تصویری در زوال دوران کودکی ترجمه صادق طباطبائی». وی در این کتاب به ابعاد تماشای برنامه‌های تلویزیونی و ارتباط با رسانه توسط کودکان و برهم خوردن نظم رشد و جابجا شدن مراحل رشد می‌پردازد. برخی دیگر مانند ژان کازنو به ابعاد قدرت تلویزیون می‌پردازد. او در کتاب «قدرت تلویزیون» ابعاد قدرت رسانه خصوصاً تلویزیون را بر شکل دهی جامعه توده وار و جهش اجتماعی از طریق رسانه



تشریح مینماید. مارشال مل لوهان در جمله ایکوتاه ولی پر معنا که عنوان یکی از نوشتارهایش پیرامون رسانه است رابطه پیام و رسانه را به ما گوشزد می‌نماید. او میگوید «پیام همان وسیله ارتباطی است» (مک لوهان، ۱۳۵۱، ص ۶۳)

برخی دیگر بر تأثیر رسانه بر زنان خانه دار پرداخته اند. بنابر این «روانشناسان اجتماعی و دیگر پژوهش گران مسایل ارتباطی جنبه‌های مختلف وسایل ارتباط جمعی را مورد مطالعه قرار داده اند. این مطالعات طیفی را شامل محتوای رسانه‌ها، خصوصیات‌های بینندگان یا شنوندگان و اثرهای رسانه بر انواع رفتار را در بر می‌گیرد.» (لیبرت، شوارتزبرگ، ۱۹۷۷؛ روبرتز و باجن ۱۹۸۸؛ به نقل از استوارت از کمپ، ترجمه رهبر، ۱۳۶۹، صفحه ۴۳۰)

بحث اصلی و تحلیل

اینترنت و جامعه اطلاعاتی

با فرارسیدن «عصر اطلاعات» و پیدایش «جامعه اطلاعاتی» از اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی که تحت تأثیر برخی از مطالعات جدید اقتصادی در نظام سرمایه داری قرار گرفته بود، در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی بر سیاستگذاری‌ها و برنامه ریزی‌های کشورهای چون ایالات متحده آمریکا، ژاپن و فرانسه نیز تأثیر گذاشت. سپس «از اوایل دهه ۱۹۹۰، با پیشرفت و گسترش شبکه‌ها و بزرگراه‌های اطلاعاتی جدید و افزایش کاربرد تکنولوژی‌های نوین ارتباطی در سراسر جهان، مسایل بین‌المللی ناشی از آنها اهمیت خاصی پیدا کرده اند. به همین جهت، در سالهای اخیر به موازات توسعه استفاده از شبکه‌های اطلاعاتی و به ویژه شبکه «اینترنت» توجه به این مسائل بیشتر شده است.» (معمدنژاد، کاظم، ۱۳۸۹، ص ۱۴۲).

در زمان جنگ سرد، دو ابر قدرت شرق و غرب برای تقویت ساختارها و شبکه‌های نظامی خود، هر یک با برنامه ریزی‌ها و سیاستگذاری‌های خود در صدد بالا بردن توان اطلاعاتی و شبکه سازی پیشرفته نظامی برآمده بودند که در این رقابت ایالات متحده گوی رقابت را از شوروی ربود. «پیدایی و پیشرفت اینترنت در ایجاد شرایط گذر از «جامعه صنعتی» به «جامعه اطلاعاتی» جایگاه برجسته‌ای پیدا کرده است. شبکه اینترنت که اکنون به قول برخی از محققان ارتباطی ستون فقرات

ارتباط اطلاعاتی سراسری کره زمین و به عبارت دیگر «شبکه شبکه‌های اطلاع‌رسانی» جهان شناخته می‌شود، معرف ساختار تحول یافته یک شبکه اطلاعاتی نظامی است. (همان منبع، ص ۱۴۳)

امروزه ارتباطات انسانی بدون موانع مکانی و زمانی به کمک وسایل جمعی به ارتباطی تنگاتنگ و نزدیک تبدیل شده است و عموماً به سوی «دهکده جهانی» پیش می‌رود و ارتباطات محور پیشرفت قرار گرفته است. «بزرگراه‌های ارتباطی، ماهواره‌ها، وسایل ارتباط از راه دور، انفورماتیک، کامپیوترها، تله‌ماتیک، اینترنت و... حاصل تجارب و اندیشه‌های بشر هستند و همانطور که «آلویین تافلر» عصر فراصنعتی یا عصر ارتباطات و تبادل اطلاعات را «موج سوم» نامیده بود، اینک با پدیده اینترنت به سوی موج چهارم در حرکت هستیم و انفجار اطلاعات که از دهه ۱۹۸۰ میلادی به وجود آمده بود، اینک در قرن بیست و یکم به وسیله وسایل چندرسانه‌ای به شدت نقل و انتقال و مبادله می‌شود و اطلاعات در حکم مواد انرژی‌زا هستند». (رزاقی، افشین، ۱۳۸۵، ص ۱۱۸)

جامعه‌شناسی خانواده

هرچند تمام جامعه‌شناسان بر اهمیت خانواده در حیات اجتماعی تاکید دارند اما این مفهوم هنوز هم یکی از پرابهام‌ترین مفاهیم این علم است. «برگس» و «لاک» در کتاب خود با عنوان خانواده می‌نویسند: «خانواده گروهی است متشکل از افرادی که از طریق پیوند زناشویی، همخونی، یا پذیرش (به عنوان فرزند) با یکدیگر به عنوان شوهر، زن، مادر، پدر، برادر و خواهر در ارتباط متقابل اند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی زندگی می‌کنند». و «مک آیور» نیز معتقد است: «خانواده گروهی است دارای روابط جنسی چنان‌پایا و مشخص که به تولید مثل و تربیت فرزندان منجر گردد». (ساروخانی، باقر، ۱۳۸۲، ص ۱۳۵)

خانواده در تمام تاریخ خود، کانون کار و استراحت بود اما امروز کانون فرهنگی اجتماعی نیز هست. انسانها به دنیا می‌آیند تا بیاموزند و باز به خانه روی می‌کنند تا در آن از جهان آگاهی یابند. بنابراین خانواده جدید از چنان ابعادی برخوردار است که هرگز در تاریخ نداشته است. در خانواده جدید جاذبه‌های نوبی پدید آمده که پدر خانواده را هم که به طور سنتی باید بخش زیادی از وقت خود را برای امرار معاش در بیرون از خانه بگذرانند، برای دریافت اخبار و برنامه‌های تفریحی و



سرگرمی و برخورداری از رسانه‌های در دسترس مانند تلویزیون و اینترنت و ماهواره به درون خانه می‌کشاند.

در تمامی سده‌ها، خانواده انحصار آموزشی و انتقال ارزش‌های حیاتی را در خود می‌دید، حال چنین نیست. فرزندان امروز از سرچشمه‌های دیگر و از جمله وسایل ارتباط جمعی، چیزهای بسیاری فرا می‌گیرند. آنها کمتر تحت تاثیر والدین و به طور کلی بزرگترهای خانه اند. زمانی نیز که بین ارزش‌های خانه و ارزش‌هایی که از طریق رسانه‌ها ارائه می‌شوند تعارضی رخ می‌دهد، چنین به نظر می‌رسد که قدرت غالب از آن وسایل «همه‌گیر» و «همه‌جا» حاضر ارتباط جمعی است. بنابراین می‌توان گفت که خانه جدید از بزرگترین امتیازات سنتی خود خالی گشته یا آنکه دست کم در برابر رقیب‌هایی تیز چنگ قرار گرفته است» و البته منظور نادرست قلمداد کردن این رویکرد نیست. از این رو خانواده نو در کنار وسایل ارتباط جمعی، اگرچه از جهاتی به رویکردهای مثبتی دست یافت، اما با رقابتی سهمگین نیز مواجه شد. به گونه‌ای که در رقابت بین خانواده و سازمان‌های آموزشی، دیگر ذهن و روان فرزند به تمام معنا در اختیار والدین اش نیست. گاه او خود پیام‌های فرهنگی را به خانه می‌آورد و با این شیوه، موجب بروز و ظهور زمینه‌های بسط و تعالی فرهنگ می‌شود. (ساروخانی، باقر، ۱۳۸۲، ص ۱۵)

تضاد خانوادگی

نظریه پردازان معتقدند که «تضاد خانوادگی» نقش مهمی در شکل دادن به رشد بچه و نوجوان دارد و تضاد والدین - فرزندان به طور وسیعی به عنوان یک عامل علی در «سوء تطبیق» نوجوانان بازشناخته می‌شوند. مروری بر ادبیات تضاد والدین - فرزندان نشان می‌دهد که تضاد با سوء تطبیق نوجوانان از جمله «افسردگی»، «رفتارهای غیرقابل پذیرش»، «مشکلات رفتاری» در مدرسه، «اضطراب» و «مشکل عزت نفس» مرتبط است». (یوسفی، نریمان، ۱۳۸۳، ص ۶۴).

«اکاجاکی» می‌گوید: «تضاد بین والدین و نوجوانان با توافق پایین والدین و فرزند در پذیرش دینی همراه است. وی همچنین معتقد است: «دوری یا بیگانگی از عقاید و ارزش‌های والدین با کیفیت روابط والدین - فرزندان مرتبط است». (اکاجاکی، ۱۹۹۹، نقل از همان منبع، ص ۶۵)

اگرچه ستیز نسل‌های پیر یا بزرگسال و جوان در طول تاریخ انسان وجود داشته است و نشانه‌های زیادی از این تنازع را در ادبیات و هنر می‌توان یافت، اما به درستی می‌توان گفت هیچگاه ابعاد تنازع نسل‌ها تا به این حد عمیق و وسیع نبوده است. در چنین شرایطی بزرگسال و جوان در کنار یکدیگر احساس بیگانگی می‌کنند و نه تنها در زمینه‌های جدی زندگی به تفاهم نمی‌رسند، بلکه در امور حاشیه‌ای همچون تفریحات نیز یکدیگر را ناپخته و سبکسر (اتهام پیران) و متحجر و گذشته‌گرا (از دیدگاه جوانان) می‌یابند و گفتوگوی آنها بی نتیجه می‌ماند. (ساروخانی، باقر، ۱۳۸۲، ص ۵۵)

امروزه با پیشرفت و توسعه جوامع در کنار نهاد خانواده بعنوان اولین نهاد جامعه پذیرکننده، نهادهای دیگری نیز ظهور کردند که همانند خانواده به تربیت و اجتماعی کردن نسل جدید می‌پردازند. در جوامع پیشین خانواده نقش آموزش را بر عهده داشت اما در جوامع امروزی به دلیل دگرگونی‌های اجتماعی، ارزشها، هنجارها و انتقال آنها از نسلی به نسل دیگر توسط نهاد آموزش و پرورش و رسانه‌های جمعی صورت می‌گیرد. اصل سازمانی در جهان نوین با اصل سازمانی جوامع پیشین تفاوت بنیادی کرده است. یک فرد، عضو بسیاری حلقه‌های به خوبی مشخص است. اما هیچ یک از این حلقه‌ها تمام شخصیت او را در بر نمی‌گیرند و بر او نظارت تام ندارند. تعداد حلقه‌های متفاوتی که افراد در آن می‌پویند، یکی از نشانگان تحول فرهنگی است. (یعقوبی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۲، نقل از رحیمی، محمد، ۱۳۹۰)

در بحث درباره‌ی آثار و وسایل ارتباط جمعی دو دیدگاه تند به چشم می‌خورد:

الف- دیدگاه اثر قوی رسانه: برخی را عقیده بر این است که اثر ارتباط جمعی دارای چنان قدرتی هستند که می‌توانند نسلی تازه برای اولین بار در تاریخ انسان پدید آورند. نسلی که با نسل‌های پیشین بسیار متفاوت است؛ غرق در فضای ارتباطی جدید، و آکنده از دانستی‌های پیچیده‌ای است که حتی به هنگام فراغت از آن متمتع می‌شود مرتن در تشریح عقاید این عده از متفکران می‌نویسد: «بسیاری تحت تأثیر همه جایی بودن ارتباطات جمعی و قدرت بالقوه‌ی آنان به سختی هراسان شده‌اند.» اینان عقیده دارند که وسایل ارتباط جمعی جدید را می‌توان در ابعاد منفی و مثبت به کار گرفت (امیرپور، بهرامیان، ۱۳۷:۱۳۹۲)



ژان کازنو در باره همین طرز اندیشه می‌نویسد: «این اندیشه در نظر مردم، چه عادی و چه تحصیلکرده، رواج یافت که وسایل ارتباط جمعی قدرتی فوق تصور دارند و می‌توانند افکار فلسفی و سیاسی را منقلب نموده، شکل تازه‌ای بخشند و به اختیار، تمامی رفتارها را هدایت کنند. براساس همین اصل، این عقیده رواج یافت که مبارزات انتخاباتی از طریق تلویزیون، موجبات القای انتخاب کنندگان را فراهم می‌آورد، زیرا حزبی که بیش از همه از تلویزیون استفاده می‌کند، لزوماً از انتخابات پیروز بیرون خواهد آمد.» (کازنو، ترجمه ساروخانی و محسنی، ۱۳۶۵:۴۵)

کسانی که بر عقاید تند و قدرت رسانه تأکید می‌ورزیدند، از کاربرد وسایل ارتباط جمعی، بویژه رادیو توسط هیتلر و رئیس تبلیغاتش، دکتر گوبلز، تأثیر گرفتند. چرا که آنها با «هدایت از راه دور» به «آدمسازی» می‌پرداختند و سعی داشتند در دنیایی که امکان انجام عمل یا رفتار خاص یا اعمال فشار برای ترویج عقیده و حکومت بر مردم، امکان پذیر نیست، با تبلیغ و تهییج، انسانها را از درون در اختیار بگیرند. (اکرامی، ۱۳۸۲: ۱۱۷) یعنی باید به ذهن انسان‌ها رسوخ کرده، و از این طریق اندیشه آنان را در جهت خاص خود جهت بخشید. (امیرپور، بهرامیان، ۱۳۹۲: ۱۳۸)

البته اینگونه بررسی‌ها اساس علمی نداشت بلکه صرفاً ناشی از مشاهداتی بود که نظریه پردازان از اسقبال و علاقه مردم به مطبوعات، فیلم و رادیو که بر تمامی زندگی آنها مستولی شده بود، استنباط می‌کردند. (امیرپور، بهرامیان، ۱۳۹۲: ۲۵۲)

ب- دیدگاه اثر محدود رسانه: دومین دیدگاه در زمینه وسایل ارتباط جمعی به صورت افراطی نقش کنونی این وسایل را بر تحت تأثیر قرار دادن مخاطبین ناممکن می‌دانند. به نظر این دسته از دانشمندان، دوران سبع وسایل ارتباطی، دوران رواج عقاید تند و اسناد اثرات جادویی و خارق العاده وسایل ارتباط جمعی پایان یافته است. این عده را عقیده بر آن است که وسایل ارتباط جمعی با وجود تکنولوژی برتری که از آن سود می‌گیرند با موانع بسیاری در راه اثر گذاری بر دیگران مواجه اند. پیدایی اندیشه‌هایی چون نظریه تکمیل و... موجب بروز شک و تردید در باب اثرات وسایل ارتباط جمعی گردید. (امیرپور، بهرامیان، ۱۳۹۲: ۱۳۸)

نظریه انگ می‌گوید وقتی رسانه‌ای از آستانه اعتماد عمومی ساقط شد تمامی محتوای آن با نیشخند و استهزاء و خشم مخاطب مواجه می‌گردد، و حتی کسانی که از آن استفاده می‌کنند نیز اعتبار

خود را از دست خواهند داد. (اکرامی، ۱۳۸۲: ۱۱۸) و نظریه تکمله می گوید وسایل ارتباط جمعی زمانی تأثیر قطعی دارند که کمک‌های جانبی دریافت کند تا پیام مورد نظر تقویت شده و برای مخاطب بهتر و روشتر توصیه گردد. مثلاً نازیسم زمان کوتاه سلطه اش را فقط با به دست گیری وسایل ارتباط جمعی پدید نیاورد، بلکه این رسانه‌ها نقش کمکی خود را با تکمیل خشونت سازمان یافته، پاداش منظم و جهت یافته، و افزایش همنوایی (با دولت) و کانونهای سازمان یافته برای القای نازیسم ایفا کردند. (امیرپور، بهرامیان، ۱۳۹۲: ۱۳۶)

طبق نظریه تأثیر محدود رسانه‌ها (جوزف کلاپر) رسانه‌های همگانی، به طور معمول، شرط زم و کافی برای تأثیر گذاری بر مخاطب به شمار نمی‌روند، بلکه آنها از طریق سایر عوامل، که نقش واسطه را بازی می‌کنند، می‌توانند دارای تأثیر باشند. عمل عوامل واسطه‌ای چنان است که سبب می‌گردند که رسانه‌ها تنها به صورت یک عامل کمک کننده در فرایند تأثیر گذاری عمل کنند و نه به عنوان تنها عامل تأثیر گذار (امیرپور، بهرامیان، ۱۳۹۲: ۲۵۲)

تعریف خانواده

صاحب نظران معتقدند: «خانواده نخستین نظام‌های نهادی عمومی و جهانی است که برای رفع نیازمندی‌های حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضرورت تام دارد». خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع و نخستین مدرسه و مهد اصلی تربیت است. خانواده عامل انتقال فرهنگ، تمدن، آداب و سنن است و اهمیت آن دائمی است. (امیرحسینی، ۱۳۸۵: ۳؛ به نقل از قائمی)

خانواده‌ها به مثابه اصلی ترین پایگاه‌های رشد و شکوفایی شخصیت و پرورش مهارت‌های اجتماعی کودکان و نوجوانان، همانند حلقه‌های زنجیر اجتماع انسان‌ها، اساسی ترین سهم را در سلامت و اعتدالی جوامع بشری بر عهده دارند. سلامت و سعادت جامعه به سلامت و پویایی نظام خانواده وابسته است و سلامت و تعادل و تعالی نظام خانواده نیز به کیفیت روابط بین «زن» و «شوهر» و «والدین و فرزندان» بستگی دارد (امیرحسینی، ۱۳۸۵: ۴ و ۵) چگونگی ارتباط والدین با کودک الگوی تمام عیار ارتباطات اجتماعی برای وی به شمار می‌رود. (امیرحسینی، ۱۳۸۵: ۴ و ۵)



مفهوم تربیت

مفهوم تربیت: منظور از تربیت، پروراندن، بار آوردن، به ترقی و کمال رسانیدن و با بردن و برتری دادن است (امیرحسینی، ۱۳۸۵:۴۳) وقتی فردی صفات و خصایص اخلاقی و معنوی که ویژه انسان است را یاد می‌گیرد و تحت تأثیر فضایل اخلاقی به انجام اموری دست می‌زند می‌گوییم آن فرد تربیت یافته است. (امیرحسینی، ۱۳۸۵:۴۳ به نقل از نیکزاد) امیل دورکیم جامعه‌شناس فرانسوی: «تربیت عبارت است از فن اجتماعی کردن انسان‌ها» مونتنی مربی و فیلسوف فرانسوی: «تربیت عبارت است از هنر سازندگی انسان‌ها که برای زندگی مفید و مؤثر بار آیند.» پستالوزی مربی و روانشناس تربیتی سویسی اوایل قرن ۱۹ و بانی آموزشگاه‌های نوین: «تربیت عبارت است از رشد طبیعی، تدریجی و هماهنگ کلیه استعدادها و نیروهای موجود در انسان» (امیرحسینی، ۱۳۸۵:۴۴)

اهداف تربیت

اهداف تربیت عبارت است از: ۱-جسم، روان و ذهن کودک پرورده شده و آدمی به منتهای درجه‌ی کمال لایق خود برسد. ۲-انسان‌هایی مسئولیت‌پذیر با روحیه همکاری و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و سالم به پروراند تا در نتیجه آن جامعه‌ای سالم و با نشاط و پویا ایجاد کند. ۳-حفظ و حمایت از رشد دادن ابعاد مختلف شخصیت کودک و نوجوان در جهت مطلوب است. ۴-هدایت کودک است به سوی غایاتی که سزاوار طبیعت انسانی است. ۵-به فعل آوردن حالاتی است که در وجود آدمی به حالت قوه وجود دارد. مدد به گسترش قوای کودک است. رساندن کودک از پروردن و رام کردن به تعالی بخشیدن است. ۸-ایجاد و استحکام بخشیدن به شخصیت به طور همه‌جانبه است یعنی توجه به جسم، عقل، احساسات و منش کودک. (امیرحسینی، ۱۳۸۵:۴۷)

نقش رسانه در تحکیم خانواده

پیوند عاطفی مشخصه‌ای است که فضای روانی گروه را برای وصول به اهداف تعیین شده و منسجم، تسهیل می‌کند دلیل آن وجود نیروی انگزشی پیوند عاطفی است که موجب می‌شود اعضای گروه در تامین نیازهای یکدیگر به صورت فعال مشارکت کنند.

عوامل گوناگونی موجب آسیب دیدن پیوند عاطفی خانواده شده و انسجام آن را به مخاطره می‌اندازد یکی از این عوامل، عوامل تفرد است که به صورت واگرایی اعضای خانواده عمل می‌کند. تجربیات نشان می‌دهد که هر اندازه ارتباط میان همسران و ارتباط میان والدین و فرزندان کاهش یابد، فاصله عاطفی و هیجانی و همچنین فاصله شناختی میان اعضاء و نظام خانواده بیشتر می‌شود.

استفاده از وسایل ارتباط جمعی مانند اینترنت موجب شده است تعامل واقعی فرد به جای آنکه با افراد دیگری در محیط انسانی سامان یابد با رسانه های الکترونیکی شکل می‌گیرد و به دلیل برتری تکنولوژیکی و تجهیزات خیره کننده رسانه ای، نوعی رعب فرهنگی و انفعال شخصیتی در فرد ایجاد می‌شود و نتیجه این می‌گردد که افراد خانواده به جای گفتگوی صمیمی با یکدیگر که می‌تواند به تقویت پیوندهای عاطفی و انسجام اعضای خانواده منجر شود با ابزارهای الکترونیکی ارتباط برقرار می‌کنند ارتباطی که فاقد بار عاطفی، احساسی و هیجانی است.

شکی نیست که تلویزیون تاثیر گذارترین رسانه ای است که در عرصه اجتماعی و فرهنگی فعالیت می‌کند. این رسانه به خاطر برخوردای از ویژگی های خاص و با توجه به وسعتی که در میدان عمل خود دارد می‌تواند جنبه های متعددی از زندگی فردی و اجتماعی افراد در جامعه را تحت تاثیر خود قرار دهد که ارزشها از جمله آن هستند.

رسانه با تاثیر گذاری بر ساختار خانواده از یک سو و با ارائه تصویری از جرم از سوی دیگر بر شکل گیری یا کاهش جرائم اجتماعی موثر واقع می‌شود.

تاثیر رسانه ممکن است در مواردی به صورت مستقیم منجر به ارتکاب جرم شود اما این تاثیر عام نبوده و در مواردی خاص به صورت موردی گزارش شده است دیدن صحنه سرقت از بانک یا ربودن یک شی از مغازه یا دزدی خانوادگی ممکن است بیننده نوجوانی را به ارتکاب جرم بکشاند. اما خارج از چهارچوب رسانه های رسمی کشور تاثیر فیلم های ماهواره ای یا ویدئویی که بر روی آنها هیچ کنترلی وجود ندارد شدیدتر و عمیق تر است.

می‌توان رسانه‌ها را ابزاری نیرومند در کنترل و گسترش خشونت خانوادگی دانست. جهت گیری رسانه به سیاست های کلان آن و اهدافی بستگی دارد که آنها دنبال می‌کنند. رسانه هم می‌تواند از



طریق تاثیر گذاری بر روابط بین زوجین فرآیند تربیت فرزندان را تحت تاثیر قرار داده و هم به صورت مستقیم بر اندیشه و طرز رفتار فرزندان موثر واقع شود این تاثیر حتی می تواند ساختار خانواده را با تغییراتی عمیق روبرو سازد.

به تعبیر موکد یا ما به دلیل تحدید اخلاق و کیفیت زندگی امروزی به تدریج شاهد یک فروپاشی بزرگ خواهیم بود این فروپاشی در زمینه های اخلاقی و در نهادها بیشتر در زمینه خانواده اتفاق خواهد افتاد.

نتیجه گیری

کنترل استفاده از رسانه ها در خانواده تنها راه حفظ انسجام خانواده و جلوگیری از فروپاشی آن به سبب ارتباطات مجازی است. بهترین راه تربیت خانواده، ترویج فرهنگ استفاده مناسب و معقول از رسانه هاست. امروزه رسانه ها بخش مهمی از اوقات خانواده ها را به خود اختصاص داده است. خانواده اولین و مهمترین بافت اجتماعی را برای رشد فرد فراهم می سازد. منظور از سبک های فرزند پروری، روش هایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود بکار می گیرند و بیانگر نگرش هایی است که آنها نسبت به فرزندان خود دارند و همچنین شامل معیارها و قوانینی است که برای فرزندان خویش وضع می کنند. در عین حال رفتارهای فرزند پروری به واسطه فرهنگ، نهاد و گروه های اقتصادی تغییر می کند. روشهایی که والدین در تربیت فرزندان خود به کار می گیرند، نقشی اساسی در تامین سلامت روانی فرزندان آنها خواهد داشت بطوری که اکثر مشکلات رفتاری کودکان منعکس کننده شرایط پیچیده بین فردی اعضای خانواده بویژه والدین می باشد.

منابع و مآخذ

- اکرامی، محمود: اصول ارتباط جمعی، نشر ایوار، چاپ اول، مشهد ۱۳۸۲.
- امیرپور، مهناز، بهرامیان، شفیع: مبانی کلی نظریه های ارتباط جمعی، انتشارات جامعه شناسان، چاپ اول، تهران.



- رزاقی، افشین: نظریه‌های ارتباطات اجتماعی، نشر پیکان، تهران ۱۳۸۱.
- ساروخانی، باقر، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (جلد اول)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳.
- کازنو ژان؛ جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی مترجم: ساروخانی باقر؛ محسنی منوچهر. انتشارات اطلاعات. سال ۱۳۶۵.
- مک لوهان، مارشال. وسیله، پیام است. ترجمه مایلی، محمدتقی. نشریه فرهنگ و زندگی. ۸، خرداد، ۱۳۵۱.
- معتمدنژاد، کاظم، معتمدنژاد، رویا، حقوق ارتباطات، تهران، ۱۳۸۹.
- هوور، استوارت و ندبای، نات. بازاندیشی درباره رسانه، دین و فرهنگ، مترجم مسعود آریایی نیا. تهران: سروش ۲۱ دی، ۱۳۸۹.
- یوسفی، نریمان، شکاف بین نسل‌ها، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳.

Archive of SID